



آتشکده‌های باستانی در پرتو بازیافته‌های نوین باستان‌شناختی در مل حرم



آتشکده‌های باستانی مل حرم

در پرتو بازیافته های نوین باستان شناختی در مل حرم

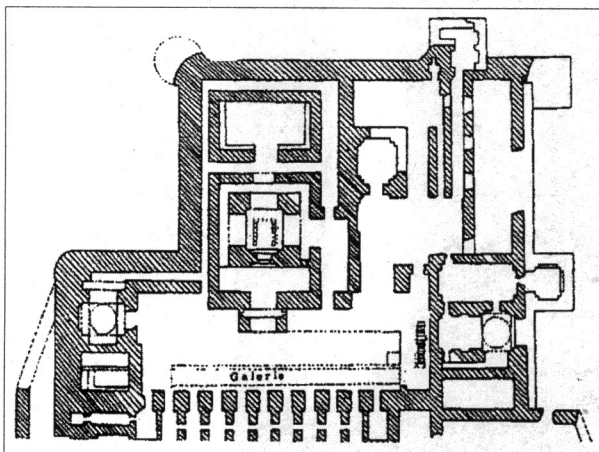
نویسنده: باربارا کیم

برگردان: احمد حیدری

عنوان شده [پلان و آتش درون آتشدان] امکان پذیر می‌سازد. به هر حال پیش از بیان آخرین نتایج به دست آمده ، یک جمع بندی از مهمترین داده های به دست آمده در ارتباط با این گونه سازه ها [آتشکده‌ها] که بیشتر به خوبی معرفی و شناسایی شده اند و کاربری مذهبی آنان بر پایه ویژگی‌ها و عناصر یافت شده در آن ها تأیید شده است، می‌تواند مفید واقع شود.

قدیمی ترین آتشکده ایرانی شناخته شده ، در کوه خواجه سیستان واقع شده که قدمت آن به سده‌های دوم و اول پیش از میلاد بر می‌گردد. (۴) در اوایل دوره سلوکی و اشکانی این مجموعه مذهبی از یک اتاق اصلی مستطیل شکل به ابعاد $14/5 \times 12/5$ متر تشکیل شده بود ، که به یک راهرویی باریک [پیرامون آن] و یک اتاق مستطیل شکل کوچکتر به ابعاد $6 \times 12/5$ متر [در پشت آن] در ارتباط بوده است. بعدها در دوره ی ساسانی این آتشکده بازسازی شده و به شکل یک چهار تاق 10×10 متر با یک اتاق در پشت آن در می‌آید، پیرامون اتاق را یک راهرو به عرض تقریبی ۱ متر احاطه کرده است (ن.ک: تصویر ۱). هر تسغلد در مرکز چهار تاق، شالوده‌ی یک آتشدان و آتشدان سنگی که در کنار آن واژگون دیده می‌شود راه یافته است. (۵)

در یافته های اخیر باستان شناسان ایرانی، در مرکز چهار تاقی پدیده ای که تاکنون ناشناخته بود کشف گردید ، این پدیده فرورفتگی چهار گوش برای جمع آوری خاکسترها (۶) بود. ترکیب مشابه آن در مرکز اتاق اصلی آتشکده مل حرم بازیابی شد که قدیمی ترین فاز (مرحله) آن ممکن است به سده دوم میلادی برگردد، تاکنون باستان شناسان لهستانی که بر روی مل حرم کار کرده اند توانسته اند بخش‌های عمده ای از این آتشکده



تصویر ۱: پلان آتشکده کوه خواجه، بنگرید به

(M. MOUSAVI, KUHL-E KHADJEH, UN COMPLEXE RELIGIEUX DE L'EST IRANIEN, DOSSIERS D'ARCHEOLOGIE N 243, MAI 1993, P. 83)

سالیان متمادی است که آتشکده های قدیمی و جدید به عنوان یکی از ویژگی های اساسی مذهب و معماری ایرانی شناخته شده اند. اغلب پژوهش‌های انجام یافته ، بر اساس تفسیر تفاوت آتشکده‌ها از لحاظ سبک معماری و طبقه بندی آتش درون آتشدان‌ها صورت گرفته است. (۱)

در طی چند سال اخیر دو آتشکده باستانی یکی در «بندیان» (در شمال شرقی ایران) (۲) و دیگری در « تپه مل حرم » (در جنوب ترکمنستان) [در نزدیکی سرخس] کشف شده است. (۳) ساختار این دو آتشکده امکان پژوهش بیشتر را بر روی مقولات

مقدس را نمایان سازند. این بنا از چهار اتاق که آشکارا در ارتباط با یک مراسم نیایشی است تشکیل شده است. (ن.ک: تصویر ۲) در مل حرم در مرکز اتاق اصلی یک محیط مربع شکل فرو رفته وجود دارد که دارای دیواره‌ای به بلندی حدود ۳۰ تا ۲۷ سانتیمتر و عرض ۴۵ سانتیمتر می باشد (ابعاد فرورفتگی به پهنای یک خشت و ارتفاع آن برابر دو خشت می باشد که درون این فرورفتگی یک آتشدان یافت شده است. بدنه استوانه‌ای شکل و سفالین آن (= آتشدان) ناهموار و درست شبیه به یک ساعت شنی است. (ابعاد باقی مانده آتشدان به ارتفاع به ۷۶ سانتیمتر، قطر پایه آن ۱/۴۶ متر و قطر باریک ترین نقطه آن ۱/۳۰ متر می باشد).

پیش از آخرین دوره استفاده از آتشکده فاصله میان بدنه آتشدان و جدار کم ارتفاع حائل فرورفتگی که آتشدان در آن قرار گرفته است به وسیله شن و یک لایه اندود از گل پوشانیده شده است. (ن.ک: تصویر ۳ و ۴)، در نتیجه فضای میان بدنه آتشدان

و دیوار کم ارتفاع فرورفتگی به خاطر کف سازی جدید هموار گردیده که ارتفاع آن (کف جدید) ۲۷ تا ۳۰ سانتی متر بالاتر آمده بود.

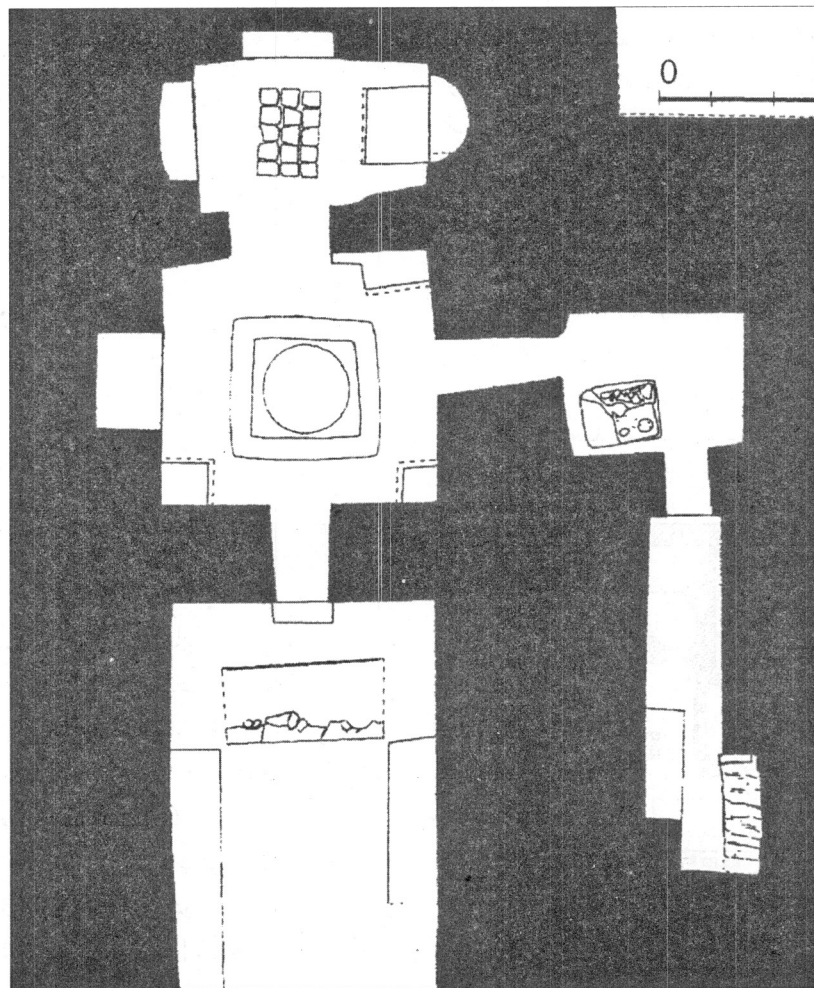
در سال های گذشته باستان شناسان ایرانی که بر روی بندیان (در حدود ۲۰ کیلومتری مرز ترکمنستان) فعالیت می کردند، توانستند ساختمانی با تزیینات با شکوه گچبری را آشکار سازند که به سده ی ۵ میلادی بر می گردد. (۷) کاربرد و عملکرد دقیق تمام ساختمان هنوز به درستی مشخص نشده است [؟] و نیازمند مطالعات بیشتری

است.

در بندیان عناصری که در اتاق چلیپای شکل (به ابعاد ۴/۱۰×۴/۱۰ متر) که در مرکز بخش غربی مجموعه واقع شده است. اجرای برخی از مناسک مذهبی را در آن آشکار می سازد (ن.ک: تصویر ۵)، شواهد و گواه بیشتر در این زمینه با حضور یک آتشدان که تا اندازه ای نقطه استقرار آن از مرکز به سمت جنوب شرقی اتاق متمایل است، به اثبات می رسد.

آتشکده بندیان هم زمان و یا اندک زمانی قدیمی تر از آتشکده یافت شده در تخت سلیمان ساخته شده است. اتاق های دارای اهمیت (اتاق B و A) آتشکده تخت سلیمان، فضای مرکزی این آتشکده را اشغال نموده اند. اتاق A پشت یک ایوان بزرگ (S) که به سبک چهار تاقی به وسیله راهرویی احاطه شده واقع شده است. اما شبیه آن ها، پایه آتشدان مل حرم، پایه آتشدان های کوچکتری در بخش شمالی قرار داشته است. در طول مدت کاوش های باستان شناسان آلمانی، یک فضای فرو رفته مربع شکل به ابعاد

۲/۵۵×۲/۵۵ متر در مرکز چهار تاقی خاکبرداری شده است (ن.ک: اتاق A در نقشه ۶)، در آن اتاق دو جفت پایه آتشدان از جنس سنگ ماسه در کنار و یا به عبارتی در سمت چپ و راست این فرو رفتگی مربع شکل قرار داشته اند که هر کدام در سطح فوقانی شان دارای یک حفره کوچک می باشند و مشابه این آتشدان، پایه آتشدان کوچکتری است که در بخش شمالی اتاق موجود می باشد، قسمت برجسته (مرتفع) شمالی این اتاق، به



تصویر ۲- پلان آتشکده مل حرم، کاوش در سال های ۲۰۰۲-۱۹۹۸ میلادی (ترسیم از واگنر)

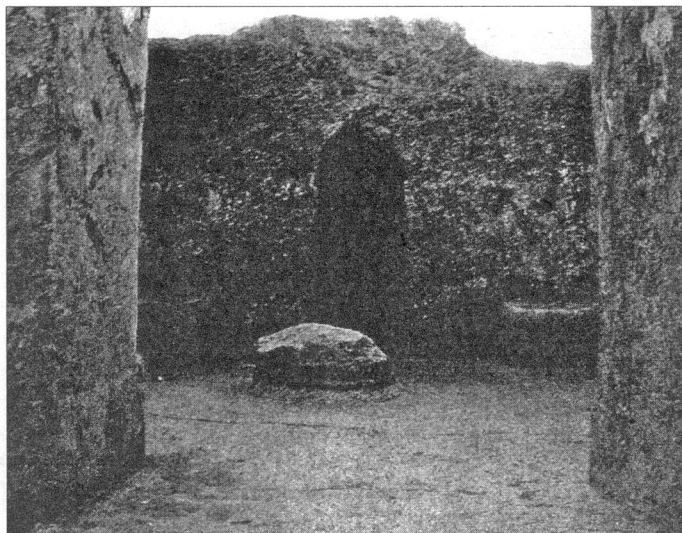
رفتگی که محل استقرار آتشدان بوده است، تأیید نماییم. نقش و وظیفه بعدی که اکنون به وسیله کشفیات مل حرم آشکار شده است، در تبیین (تفسیر) کارکرد بخش مرکزی معبد تخت سلیمان نقش و اهمیت بسیار سرنوشت سازی دارد.

«رن.نومن» به همراه «گدار» (۱۱) و «اردمن» (۱۲) شرح ذیل را به عنوان الگویی از آتشکده های باستانی

پیشنهاد کردند، برطبق آن (الگو) اتاق A در تخت سلیمان یک آتشگاه است، محلی که آتش مقدس در آن نگهداری شده بود، در حالی که هیچ چیز دیگری (کارکرد دیگری) نمی توانست در اتاق A به نمایش گذارده شود. (۱۳)

درباره اتاق A، خانم «م. بویس» تفسیری که کاوشگران تخت سلیمان پذیرفته بودند را رد می کند، و پیشنهاد می کند که این احتمال وجود دارد که: اتاق A نقطه مرکزی و اصلی یک مسیر راهپیمایی بزرگ بوده است، ثوری او این گونه مطرح می شود که ناحیه مرکزی تخت سلیمان، اساساً به عنوان مدخل (ورودی) پیچ در پیچی برای زائرانی که به دیدن آذرگشنسب می آمدند می باشد (که به نظری در اتاق PD که دارای امنیت بسیار بالایی بود و در دورترین قسمت معبد مجتمع مذهبی

بوده است) گرامی داشته می شد. (۱۴) مطابق طرح و چهار چوب تفکرات او، بازدید کنندگان از قسمت شمالی وارد می شدند و برای تطهیر در اتاق بزرگ توقف می کردند، سپس از میان تاق های هلالی مسیر خود را به سمت جلوی ساختمان در قسمت جنوبی و پیش از ورود به هال ستون دار (PD) که بر سر راهشان وجود دارد به سوی مکان مقدس شان (PD) طی طریق



تصویر ۳: اتاق اصلی آتشکده مل حرم

عنوان سکو یا نیمکت های الحاقی معرفی شده اند.

در سمت شرق چهار تاق یک اتاق کوچکتر با پلان چلیپایی (اتاق B) شکل شناسایی شده است (تصویر ۶)، در وسط اتاق چلیپایی شکل (اتاق B) یک فرو رفتگی مربع شکل ایجاد شده است که ابعاد آن معادل ۳×۳ و ارتفاع دیوار (بدنه) آن ۳۵ سانتی متر است.

یک راهروی طویل که

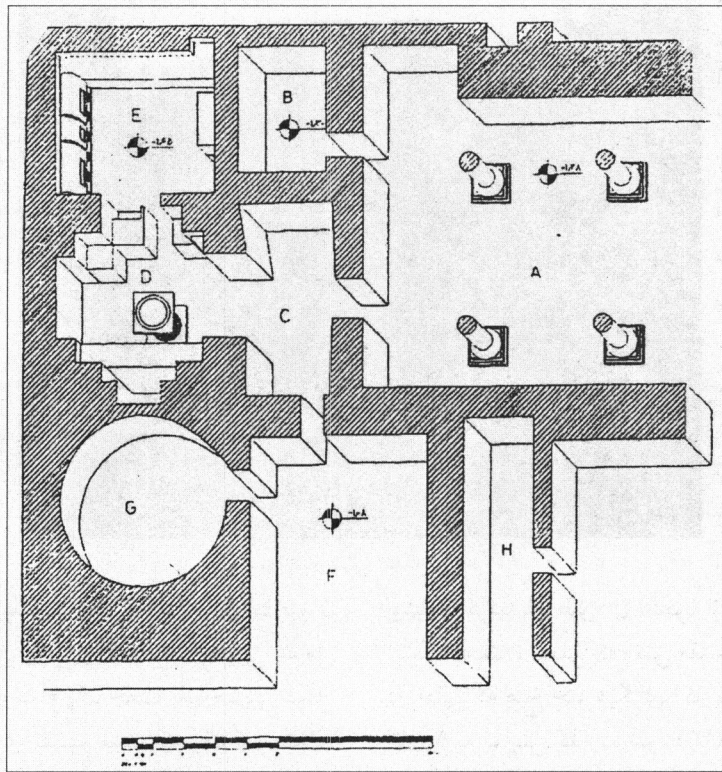
در امتداد شمال - جنوب کشیده شده این قسمت را از ساختمان (اتاق A) جدا می کند، این راهروی شمالی - جنوبی شامل یک سالن دراز است که به وسیله یک جفت پایه صلیبی شکل سنگین به دو قسمت نامساوی تقسیم شده که یک قسمت آن فضای مربع شکلی است که دارای چهار در گاهی بوده و پلان درونی آن چلیپایی شکل است (ن. ک. تصویر ۷) پایه ستون بزرگ مطابق سه پله ای در قسمت اخیر یافت شده است. (۹) پایه آتشدانی که در تورنگ تپه یافت شده است، دو پله دارد و در مرکز ساختمان کوچکی که به سبک چهار تاقی ساخته شده یافت شده است، پلان درونی این ساختمان چلیپایی بوده که دارای چهار در گاهی (حجره عمیق) گنبدی شکل می باشند که این ها به وسیله دیوار نسبتاً باریک عقبی (تیغه ای) به جز

در ضلع جنوبی که برای راه یابی به آتشکده بوده مسدود شده است (ن. ک. تصویر ۸). [در این اثر] تعدادی از عناصر معماری مربع و مستطیلی که از خشت خام ساخته بودند، در دهانه ی غربی کار گذاشته بودند. (۱۰)

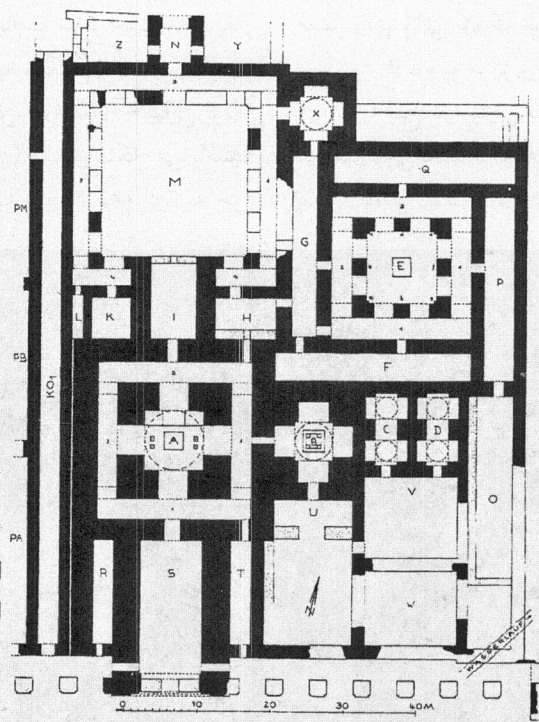
بنابراین تاکنون ما توانسته ایم کارکرد مذهبی پنج ساختمان را به وسیله یافتن آثار آتشدان هایی که یا پایه آتشدان و یا فرو



تصویر ۴: بقایای آتشدان اتاق اصلی آتشکده مل حرم



تصویر ۵- طرح ایزومتریک از سازه بندیان با آتشدان. بنگرید به: M. RAH BAR, DE COUVERTE DE PANNEAUX DE (۶۳.P. ۱۹۹۹, MAI, ۲۴۳. STUES SASSANIDES A DARGAZ DOSSIERS D'ARCHEOLOGIE N



تصویر ۶- پلانی از آتشکده آذرگشنسب، تخت سلیمان. بنگرید به: R. NAUMANN, «DIE RUINEN VON TACHT» (۲۴. ABB. ۱۹۷۷, -E SULEIMAN UND ZENDAN-E SULEIMAN, BERLIN

می کردند.

بیشتری « یزشنگاه» بوده اند؟ در حقیقت، اتاق I در معبد مل حرم حاوی خصوصیات و ساختارهایی می باشد که نشان می دهد از آن به عنوان « یزشنگاه» یا « مکان برای نیایش»، جایی که راهبان می توانستند مراسم نیایشی خود را بر پا کنند، استفاده می شده است.

تاقچه های کم عمقی در دیوار غربی و جنوبی اتاق I (به ابعاد $2/70 \times 4/50$ متر) وجود دارند، که تاقچه های دیوار جنوبی به ابعاد $1/96$ متر عرض، 60 سانتی متر عمق و $1/40$ متر بلندی و تاقچه دیوار غربی دارای $1/70$ متر عرض، 44 سانتی متر

عمق هستند که بخش

بالای تاق قوس دار آن حفظ شده است، کف دو تاقچه حدوداً 27 سانتی متر از کف اتاق بلندتر است.

کف سومین تاقچه که در دیوار شمالی واقع است، 60 سانتی متر بلندتر از کف اتاق I می باشد.

این تاقچه کاملاً عمیق به عمق 90 سانتی متر، عرض $1/60$ متر و ارتفاع آن 70 سانتی متر است.

در مقابل آن یک سکوی خشتی به ابعاد $70 \times 120 \times 134$ سانتی متر وجود دارد که با یک لایه گچ اندود شده است. بر سطح سکو که مستقیماً به تاقچه باز منتهی می شد، یک اجاق که با

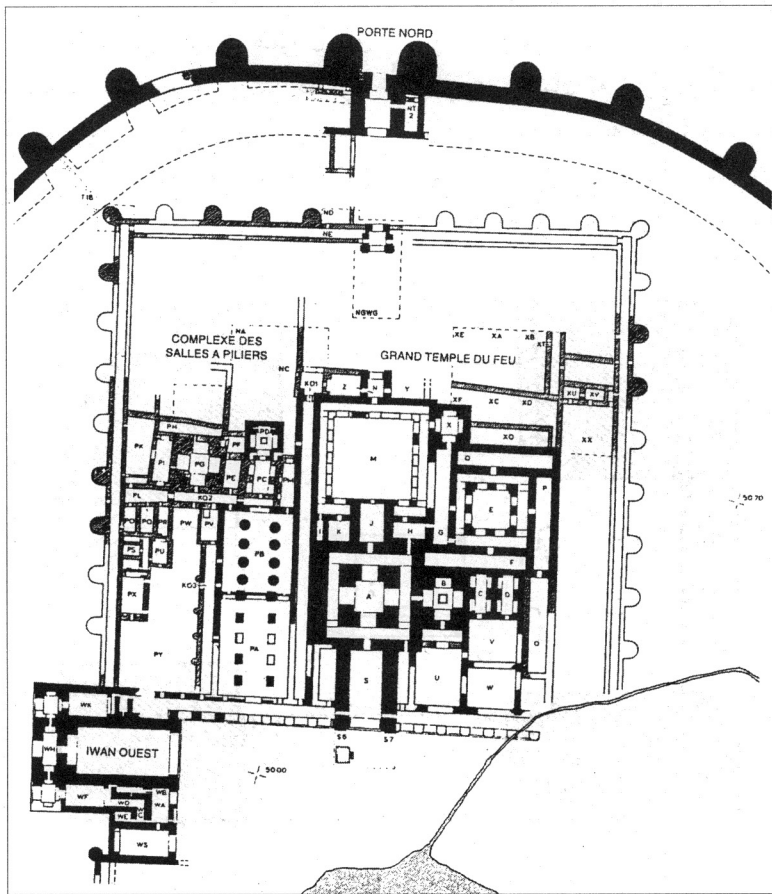
خشت ساخته شده قرار دارد. در مرکز اتاق I یک سکو مستطیل شکل کم ارتفاع که با 15 خشت چهار ضلعی نامنظم در سه ردیف چیده شده، ساخته شده است. این ساختار احتمالاً محل گذاردن جامها و یا محل مدوری است که به دلیل وجود همین چهار حفره مدور پیشنهاد شده است که سطح کف آن اندکی بلندتر از سطح رأس سکو بوده است.

«ج. گروپ» در یک پژوهش، الگویی را برای استفاده آتشکده های باستانی خلق می کند. او سه نوع پلان آتشکده ها را که امروزه نیز مورد استفاده قرار می گیرند، بیان می کند. (۱۵)

سبک « آگیاری» Agyari متداول ترین این سبک هاست، که شامل یک ساختمان مستطیل شکل است که در وسط آن یک اتاق گنبدی شکل مربع که « آدوریان» Adurian نامیده می شود وجود داشته، که همین اتاق مربع (آدوریان) به وسیله راهرویی احاطه شده است. از یک سو، یک اتاق دومی وجود

دارد که « در مهر» یا « یزشنگاه» نامیده می شود که یا مستقیماً با آدوریان درارتباط بوده و یا به وسیله راهرویی دیگر از آن جدا می شده است.

نوع سوم معبد « در مهر» است که شامل یک یا تعداد بیشتری یزشنگاه بدون آدوریان می باشد. گروپ به این نکته مهم پی برده است که بسیاری از آتشکده های باستانی دارای دو اتاق شاخص و مهم می باشند، او می گوید که وجود این دو اتاق در این معابد گواه این مطلب است که معابد نوع « آگیاری» با یک « آدوریان» و با یک یا تعداد بیشتری « یزشنگاه» بوده اند که



تصویر ۷- پلان تخت سلیمان. بنگرید به: D.HUFF, «ARCHITECTURE SASSANIDE», IN: (SPLÉNDEUR DES SASSANIDES, BRUXELLES, 1993, FIG. 37)

تقریباً همان کارکردی را داشته اند که در تشریفات مذهبی امروزی به عنوان نمونه انجام می شوند. (۱۶)

همان طور که در بالا راجع به آتشکده های کوه خواجه مل حرم و تخت سلیمان (اتاق های A و B) بحث شد، این پرسش نیز مطرح می شود که آیا آنها (سه معبد ذکر شده) مشابه یا قابل قیاس با معابد « آگیاری» با یک « آدوریان» و یک یا تعداد

شده در اتاق A، در عرض درگاه شمالی این اتاق قرار داشته است، و این امکان وجود نداشته که مسیر تردد نیایشگران در این اتاق باشد.

علاوه بر این، معبر جنوبی اتاق B و دیوار راهرویی که اتاق A را احاطه کرده است پهن تر از بقیه اتاق‌ها هستند. اتاق‌هایی که به سمت دریاچه هستند اعتبار و ارزش خاصی داشته‌اند (ن. ک: تصویر ۶). این امر این امکان را به ما می‌دهد که فرض کنیم که این‌ها مدخل‌های اصلی بودند که به هر دو اتاق B و A راه داشته‌اند.

به این نکته می‌بایست اشاره کنیم که وقتی نیایشگر به حیاط بزرگ M وارد می‌شده است، او می‌توانسته به قسمت شمال شرقی ساختمان که خارج از دید و کنترل بوده وارد شود. یک راهرویی که تقریباً به طول ۴۶ متر بوده و دو قسمت ساختمان (مجموع) را از هم جدا می‌کند، مسیری ایمن را برای زائری بوده که می‌خواسته به طرف شرق ساختمان برود ایجاد می‌کرده است.

مطابق تئوری

گروپ، الگوی آتشکده‌های جدید آگیاری معمولاً جایگاه آتش بهرام (آتش پیروزی) بوده است، آیا می‌توانیم راجع به آتشکده‌های باستانی نیز همین ایده را به کار ببریم؟

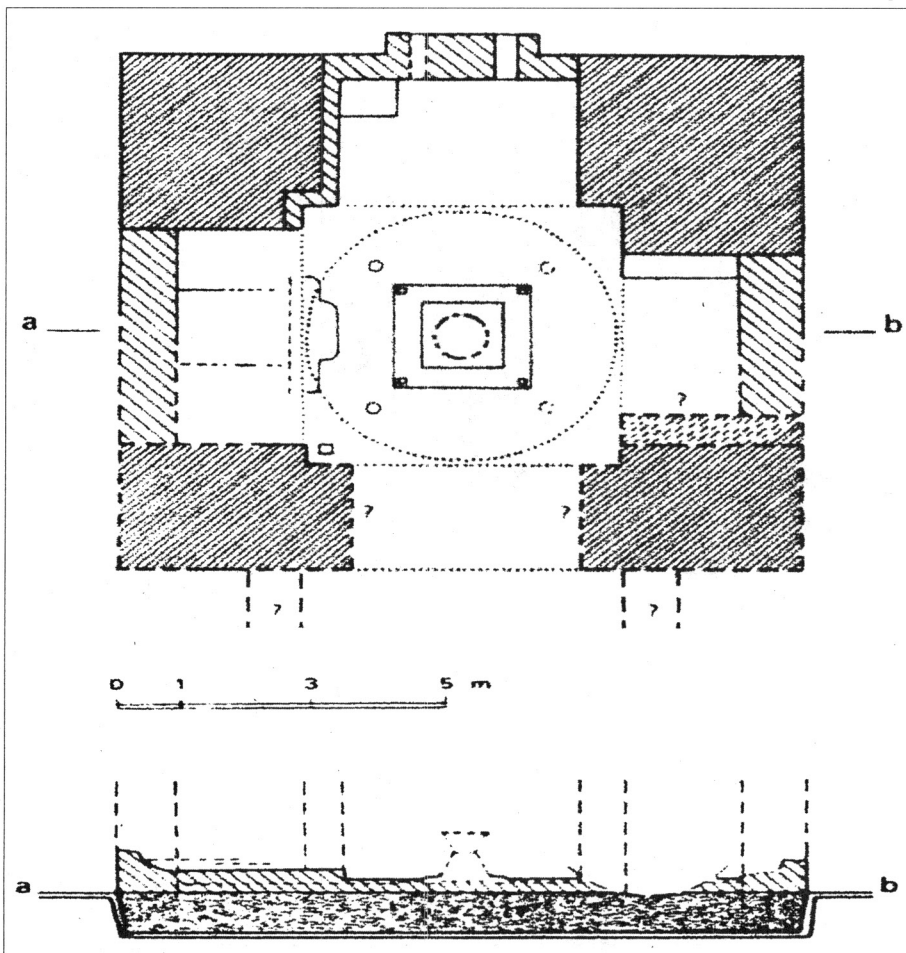
همان‌طور که در بالا مطرح شده پلان سه آتشکده باستانی ممکن است به عنوان نمونه‌های نخستین و اصلی معابد آگیاری فرض شوند که فاقد هر ویژگی منحصر به فرد

به نظر می‌رسد که اتاق داخلی پشت اتاق مربع شکل در کوه خواجه، نیز چنین عملکردی داشته است. اما برای مستندات بیشتر نیاز به کاوش‌های باستان‌شناسی است.

«ج. گروپ» اتاق A را در تخت سلیمان آدوریان معرفی می‌نماید که آتش مقدسشان را در آن جا قرار می‌دادند، و پایه سنگی کوچکی که سکو یا پایه‌ای [برای گزاردن] مجسمه‌ها بوده است. (۱۷) اگر چه بر اثر کشفیات مل حرم، هویت اتاق B [تخت سلیمان] که دارای یک فضای فرو رفته جهت گزاردن [آتشدان]، با این هویت میسر گردید ولی از سویی دیگر ممکن است مدارک دیگر هویت و عملکرد اتاق را منحصر به فرد و استثنایی تعیین کند. به نظر می‌رسد که همزمان اتاق A، اتاق B که دارای عناصر غنی است، نوعی یزشن گاه بوده تا آدوریان، یعنی جایی که هیچ نیایشی و حرمتی ممکن نیست انجام شود مگر این که این نیایش و احترام مستقیماً مختص آتش مقدس باشد. (۱۸)

به نظر می‌رسد

بویس، اتاق B بخشی از مسیر ترددی است که از دروازه شمالی شروع شده و به کنار دریاچه می‌رسیده است. من فکر می‌کنم که [این نظر] براساس گزارشات نخستین، کاوشگران تخت سلیمان تنظیم شده است. نتیجه مطالعات بر روی عناصر و ساختار این اتاق به ما اجازه می‌دهد که بگوییم آتشدان خشتی کشف



تصویر ۸: پلان و مقطع آتشکده تورنگ تپه. بنگرید به

(R. BOUCHARLAT, «TEMPLES DU FEU SASSANIDES», «DOSSIERS D'ARCHEOLOGIE N. ۲۴۳, MAI ۱۹۹۳, P. ۶۷)

می‌باشند. همه‌ی آنها شامل دو اتاق مرتبط و ساختاری فرو رفته در مرکز اتاق آدوریان می‌باشند. داخل آن‌ها باید آن قدر بزرگ و وسیع باشد که مقدس‌ترین آتش که همان آتش بهرام (۱۹) است را بتوانند در آن نگه‌داری کنند.

مطمئناً آن چه در کوه خواجه کشف شده نمی‌توانسته چنین کار کردی داشته باشد، زیرا جای بسیار کوچکی است، ارتفاع آتشدان تنها ۵۱ سانتی‌متر و آخرین پله رأس آتشدان فقط ۲۵/۵ سانتی‌متر درازا داشته است (۲۰). احتمالاً این آتشدان از جای دیگری به این جا (کوه خواجه) آورده شده، شاید در زمان استفاده از این آتشدان و نیایش آتش بهرام در آتشکده (کوه خواجه) رها گردیده است.

در ویرانه‌های معبد تخت سلیمان، تکه‌های متعددی از آتشدان‌های سنگی یافت شده است. بدنه‌های آن‌ها یک پارچه از سنگ بوده و بلندای آن‌ها با انتهای مکعبی شکل که کمی از خود بدنه عریض‌تر می‌باشد، ۹۰-۶۰ سانتی‌متر است. صفحه آتشدان مربع‌شکلی که در آن جا (تخت سلیمان) خاکبرداری شده بود ممکن است متعلق به بخش فوقانی یکی از این آتشدان‌ها باشد، اما مشخص است که هیچ‌کدام از این آتشدان‌ها در ساختار فرو رفته اتاق B قرار نداشته است. هیچ‌کدام از آن‌ها بر پایه ستون مطبق اتاق PD کشف نشده است، به خاطر این که آخرین پله آتشدان سنگی مدور (کروی) بوده و قطر آن ۶۵ سانتی‌متر بوده است، در صورتی که مکعب‌انتهایی آتشدان سنگی حدوداً ۳۷-۲۵ سانتی‌متر قطر داشته است.

با این وجود به نظر می‌رسد که آتشدان در ساختار فرو رفته مل حرم قرار داشته است و بسیاری از خصوصیات نگه‌داری از آتش بهرام را دارا می‌باشد، اگر چه قسمت بالایی آتشدان از میان رفته است، با اندکی شک می‌توان گفت که شکل و ترکیب آن همانند یک ساعت شنی بوده است و بر روی یک سطح خشتی مکعب شکل قرار داشته است. تکه‌های خرد شده این مکعب گلی با یک سطح ضخیم که با یک لایه اندودگچ پوشانیده شده بود در زمانی کشف شدند که به صورت لایه‌ای بر روی کف اتاق پخش و پراکنده شده بودند. تصور می‌شود که کم‌فقط‌ترین جای بدنه آتشدان، دقیقاً در وسط آتشدان باشد و بخش پایینی و پایه آتشدان که سالم باقی مانده است ۴۳ سانتی‌متر ارتفاع دارد و انتظار داریم که ارتفاع بدنه آتشدان ۸۶ سانتی‌متر بوده باشد. بنابراین کل ارتفاع آتشدان احتمالاً باید نزدیک به ۱۰۶ سانتی‌متر باشد (که یک لوحه مکعبی شکل بالای آتشدان بر رأس آتشدان افزوده می‌شده است).

قطر پایین‌ترین قسمت بدنه [آتشدان] ۱/۴۶ متر است، اگر

هماهنگی و توازن تناسب حفظ شده باشد، ما ممکن است حدس بزنیم که ابعاد مکعب بالای آتشدان حداقل ۱/۵۰ متر بوده است. تضاد و تفاوت میان آتشدان‌های منقوش بر سکه‌ها و مهرهای اشکانی و ساسانی و آتشدان‌های سنگی که در کوه خواجه، تخت سلیمان، بندیان کشف شده‌اند و آتشدانی که در مل حرم یافت شده (که البته فاقد پایه پله دار می‌باشد) چشمگیر و جالب توجه می‌باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که احتمالاً آتشدان‌ها روی پایه‌های مطبق (پله دار)، یک طبقه بندی متفاوتی از آتش را نشان می‌دهند. به نظر من آتشدان مل حرم بیشتر متعلق به نوع آتش آدوریان بوده تا آتش بهرام.

در وسط اتاق PD در تخت سلیمان یک آتشدان سه پله‌ای بزرگ یافت شده است، ورودی این اتاق به یک حال ستون دار بزرگ منتهی می‌شد که حاوی ساختارهایی است که ظاهراً اهمیت مذهبی داشته‌اند. ر. نومن این حال ستون دار را با پلان و طرح‌های کاخ دامغان، تپه میل، کاخ کیش (کاخ دوم) و سروستان مقایسه کرده است و اتاق PD را در مجموعه غربی تخت سلیمان به عنوان یک نمازخانه (نیایشگاه) کاخ یعنی جایی که مراسم آیینی اجرا می‌شده است، معرفی می‌نماید. (۲۱)

مری بویس اتاق [PD] را به عنوان مکان مقدس اصلی آذرگشنسب معرفی نموده است، و راه دسترسی به آن از طریق عبور از راهرو و تالار ستون دار بوده است. (۲۲)

دیتریش هوف طرح و نقشه قسمت غربی تخت سلیمان با آتشکده‌های قرون وسطی و جدید در جنوب ایران را مقایسه می‌کند و احتمال زیاد می‌دهد که در آن جا (تخت سلیمان) آتش آدوریان نیایش می‌شده تا آتش بهرام.

هوف پیشنهاد می‌دهد، که تفاوت در پلان آتشکده‌های معاصر با تخت سلیمان می‌تواند توضیحی برای مقوله (طبقه بندی) آتش مورد پرستش در آن جا باشد. (۲۳)

نویسنده موضوعی را یافته که به پیشنهاد بالا مربوط می‌گردد، گرچه یک طرح کلی نیست، بلکه آن این موضوع است که در یک آتشکده باستانی، وقتی که یک آتشدان زمخت و بدون پایه مطبق در فضای فرو رفته ای قرار داشته است [همانند آتشدان مل حرم]، به ما اجازه داده می‌شود که مقوله (طبقه بندی) آتش مورد پرستش را در آن شناسایی کنیم. (۲۴)

به نظر می‌رسد که در اتاق PD در تخت سلیمان آتش آدوریان مورد پرستش قرار می‌گرفته است که آن نه تنها به وسیله وجود پایه آتشدان مطبق تأیید می‌شده است، بلکه به وسیله ابعاد فرضی آتشدانی که زمانی در آن جا قرار داشته نیز قابل فهم و توجیه است.

پی نوشت:

۱-k. Schippman, "Die iranischen Feuerheiligtümer", Berlin-New York ۱۹۷۱, pp. ۵۱۳-۵۱۰; G. Gropp, "Die Funktion des Feuertemples der Zoroaster", AMI, NF۲, ۱۹۶۹, pp. ۱۷۳-۱۶۶; D. Huff, "Der Takht -I Nishin in Firuzabad", AA ۱۹۷۲, ۵۱۷ ff; id., "Das Imamzadeh Sayyid Husain und E. Herzfeld Theorie über den Sasanidischen Feuertempel", StIr ۱۱, ۱۹۸۲, PP. ۱۹۲-۲۱۲.

۲-M. Rahbar, "Decouverte d'un monument d'époque Sassanide a Bandian, Dargaz (Nord khorassan)", Fouilles ۱۹۹۴ et ۱۹۹۵, StIr ۲۷, ۱۹۹۸, PP. ۲۵۰-۲۱۳.

۳-B. Kaim, "Un temple du Feu Sassanide decouvert a Mele Hairam, Turkmenistan", Meridional, StIr ۳۲, ۲۰۰۲, pp. ۲۳۰-۲۱۵

۴-G. Gullini, "Architectura iranica dagli Achemenidi ai Sasamidi", IL "Palazzo" di kuh-i. Khwaja (Seistan), Turin ۱۹۶۴.

برای کاخ و معبد کوه خواجه تاریخ هخامنشی پیشنهاد شده است، ولی برای عموم پژوهشگران این انتساب سؤال برانگیز می‌باشد. در این باره ببینید:

Shichippman, "Feuerheiligtümer", pp. ۷۰-۶۰; D. Faccena, "A new fragment of wall - painting from Ghaga šahr (kuh-i. Hvāga)", EW ۱۹۸۱, P. ۹۳

۵-E. Herzfeld, "Archaeological History of Iran", London ۱۹۳۵, p. ۶۷

۶-M. Mousavi, "kuh-e khadjeh", un complexe religieux de l'est iranien, Dossiers d'Archeologie'n ۲۴۳, mai ۱۹۹۹, pp. ۸۴-۸۱

۷-M. Rahbar, art., Cit.

۸-R. Naumann et al., "Takht -i. Suleiman and Zendan-i. Suleiman", Vorläufiger Bericht über die Ausgrabungen in den Jahre ۱۹۶۳ und ۱۹۶۴, AA ۱۹۶۵, pp. ۶۳۲-۶۲۱; R. Naumann, "Takht-i. Suleiman and zindan-i. Suleiman", survey of persian Art XIV, ۱۹۶۷, pp. ۳۰۶-۳۰۵.

۹-R. Naumann, D. Huff et al., "Takht-i. Suleiman", Bericht über die Ausgrabungen ۱۹۶۳-۱۹۶۵, AA ۱۹۷۵, pp. ۱۵۶-۱۵۲.

ابعاد پایین ترین پله مکعبی شکل آتشدان سه پله‌ای اتاق PD که از خشت‌های پخته ساخته شده به ابعاد $۱/۶۳ \times ۱/۶۳$ متر است و پله وسطی به ابعاد $۱/۳۰ \times ۱/۳۰$ متر از گل رس بوده است، در حالی که پله سوم (در پایه آتشدان) که مدور است و از سنگ ساخته شده در حدود ۶۵ سانتی متر قطر دارد. بنابراین قطر (بدنه) آتشدانی که زمانی بر آن پا بوده نمی‌توانسته از آن (۶۵ سانتی متر) بیشتر باشد.

این فرض وجود دارد که پایه آتشدان یافت شده در تورنگ تپه دو پله دارد و دارای اندازه مشابه بالا بوده است. پله اول پایه آتشدان تقریباً مستطیل با ابعاد $۱/۹۵ \times ۲/۰۵$ متر، در حالی که پله دوم تقریباً مربع با ابعاد $۱/۱۰ \times ۱/۱۰$ متر می‌باشد. اثر دایره‌ای شکلی که بر سطح بالای پله فوقانی قرار دارد، این امکان به وجود می‌آورد که تشخیص دهیم قطر پایه آتشدان برابر ۵۴ سانتی متر می‌باشد. (۲۵)

از این رو، هم آتشدان اتاق PD در تخت سلیمان و هم آتشدانی که در تورنگ تپه یافت شده، باریکتر از آتشدانی هستند که در مل حرم قرار دارد، اما احتمالاً ارتفاع آن‌ها یکسان می‌باشند. آتشدانی که در مل حرم پیدا شده دارای پایه سه پله‌ای بوده و بدنه آن شبیه ساعت شنی بوده و رأس آن نیز [احتمالاً سه پله‌ای بوده است، ارتفاع آتشدان ۱۰۲ سانتی متر بوده و بالاترین پله آن $۱/۲۵ \times ۱/۲۵$ متر است که در وسط آن یک تورفتگی گرد قرار دارد که عمق آن ۱۰-۸ سانتی متر می‌باشد، و وجه اشتراک آتشدان مل حرم با آتشدان بندیان در این است که همانند آتشدان بندیان تنها مواردی هستند که در محل اصلی استقرارشان به دست آمده‌اند، درست همانند آتشدان‌هایی که در معابد آتش ایرانی جدید که از خشت و گل ساخته شده، باقی مانده‌اند.

این امر ممکن است اتفاق افتد که دوباره ما با یک چنین آثاری که ناشی از تداوم فرهنگی طویلی، حداقل از دوره ساسانی باشد روبرو شویم، و این امر بعید به نظر نمی‌رسد.

(یادداشت از مترجم، برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، جلد چهارم، سخن، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص: ۲۲۲۰) یکی از هفت آتشگاه بزرگ زمان ساسانیان آذر بهرام نام داشت. امیران و امیرزادگان از جمله پیمان‌هایی که جهت تأمین پیروزی خود می‌بستند آن بود که آتشگاه‌هایی بنا کنند و نام آن آتشگاه‌ها را آتش بهرام می‌نهادند. چنان که در کارنامک اردشیر پاپکان آمده است:

« پس از این که اردشیر از نزد اردوان فرار کرده و در فارس بونک بدو پیوست و وی چون شنیده بود که اگر چشمش به دریا افتد از دست اردوان نجات خواهد یافت، خود راه خلیج پارس رسانید و دریا را بدید. برای شکرانه در آن جا روستایی به نام اردشیر بنا نهاد و ده آتش بهرام بر کنار دریا فرمود نشانند» (یادداشت از مترجم، برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، جلد چهارم، سخن، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص: ۲۲۲۰ / یا نگاه کنید به: کارنامک اردشیر پاپکان، ۷/۴).

« دارمستتر معتقد است که آتشگاه‌های بزرگ را آتش بهرام می‌گفته اند و آتشگاه‌های کوچک عمومی را به نام آذران Adran می‌خواندند که در هندوستان آگیاری Agyari خوانده می‌شد، مشتق از آگ که در سانسکریت به معنی آتش است.» (یادداشت از مترجم: برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، جلد چهارم، سخن، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص: ۲۲۲). نظر دیتریش هوف نیز این گونه است، بنگرید به:

Das "medische Grabrelief von Deh Now", Stfr

۲۸. ۱۹۹۹. p. ۲۵

۲۱- R.Naumann, AA ۱۹۷۵. pp. ۱۶۰-۱۵۶.

۲۲- M.boyce, JAOS ۹۵. ۱۹۷۵. p. ۴۶۵.

۲۳- D.Huff, Der Takt-I Nishin in Firuzabad", AA

۱۹۷۲. p. ۵۳۲

۲۴. موضوع طبقه بندی و جایگاه آتش برای معابد آتش مناطق ایران شرقی [به خصوص] در سرخ کتل (ساختمان B و D)، جایی که آتشدان با یک حفره کم عمق همراه با آثاری از سوختگی و خاکستر در مرکز سطح فوقانی اش به خوبی حفظ شده بود یافت شده است. اطراف آتشدان بوسیله نقش پرندگان بزرگ تزئین شده بود. بنگرید به:

D.Schlumberger, M.Le Berre, G. Fussman, Sourkh kotal en Bactriane, Paris ۱۹۸۳. pp. ۴۲-۴۱).

تزئینات آتشدان و فرم خاصش بیشتر با استوپاهای بوداییان قابل مقایسه است. و اشاره به مراسم نیایش بومی ایرانی شرقی دارد.

۲۵- R.Boucharlat, op. Cit, p. ۶۵

۱۰- R.Boucharlat in R.Baucharlat, O.lecomte, "Fuuilles de Tureng Tepe", Paris ۱۹۸۷. pp. ۷۵-۵۱.

۱۱- K.Erdmann, "Das Iranische Feuerheiligtum", Leipzig ۱۹۴۱. p. ۶۴ff

۱۲- A.Godar, "Les monuments du feu", Athar - e Iran III, ۱۹۳۸. p. ۱۲.

۱۳- R.Naumann, AA ۱۹۶۵. pp. ۶۶۲-۶۶۱.

۱۴- M.Boyce, "on te Zoroastrain Temple Cult of Fire", JADS ۹۵. ۱۹۷۵. pp. ۴۶۵-۴۶۴.

۱۵- G.Gropp, art. cit. pp. ۱۴۸ ff

۱۶- آتش‌های مقدس سه درجه دارند. مهم‌ترین آن‌ها آتش بهرام است که با زحمات و کوشش فراوان از ترکیب ۱۶ نوع آتش (از جمله آتش حادث از رعد و برق) به وجود آمده و تقدیس و ستایش می‌شود. در ایران دو آتش بهرام (در یزد و تهران) وجود دارد و در هندوستان هشت آتش بهرام شعله ور است (در «اودواذا» و «نوساری هر کدام یک آتش - در بمبئی چهار و در سورات دو آتش).

تعداد فراوانی از دو نوع آتش دیگر که عبارتند از «آتش آذران» و «آتش دادگاه» وجود دارد. آتش آذران نیز باید توسط موبدان - اما با تشریفات کمتری ستایش شود. آتش دادگاه را نیز موبدان بر پا می‌دارند اما افراد عادی می‌توانند به خدمت آن پردازند و معمولاً زرتشتیان متمکن در خانه‌های خود آتش دادگاه شعله ور دارند.

درهر آتشکده جای مخصوصی برای انجام مراسم داخلی نماز و نیایش وجود دارد که یزشن گاه نامیده می‌شود. این مراسم معمولاً در «هون گاه» (نام نخستین بخش از پنج گاه شبانروز است به معنی از سپیده دم تا ظهر) انجام پذیرفته از طلوع فجر تا ظهر به طول می‌انجامد و تحت حمایت و حفاظت مهر است. نیایش و یدوی داد استثنأ در شب انجام می‌شود. زیرا بر ضد دیوان یعنی ساکنان جهان تاریکی است... یادداشت از مترجم: برای اطلاعات بیشتر بنگرید به کای بار- آسموسن - مری بویس، «دیانتی زرتشتی» ترجمه: فریدون وهمن، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ ۱۳۴۸، صص: ۸-۱۵۶)

۱۷- Id., ibid, p. ۱۷.

۱۸- M.Boyce, "Atas kada Elr, Vol, III, p. ۹.

۱۹. «صفت بهرام، یعنی پیروزی و پیروز در اوستا برای برخی از ایزدان در سرنام شان استعمال می‌شد، از جمله این صفت برای ایزد آذر به کار می‌رفت، اما به تدریج و گذشت زمان در عصر ساسانیان بهرام ایزد آتش شد هر چند که از آن مستقیماً آتش اراده نمی‌شد. در زمان ساسانیان آتشکده‌های بسیاری ساخته می‌شد که نام آن‌ها را آتش بهرام یا آذر بهرام می‌گذاشتند و این بر پایه اهمیت بیرون از اندازه این ایزد بود چنان که بسیاری از بزرگان آن دوران نیز بهرام نام داشتند»